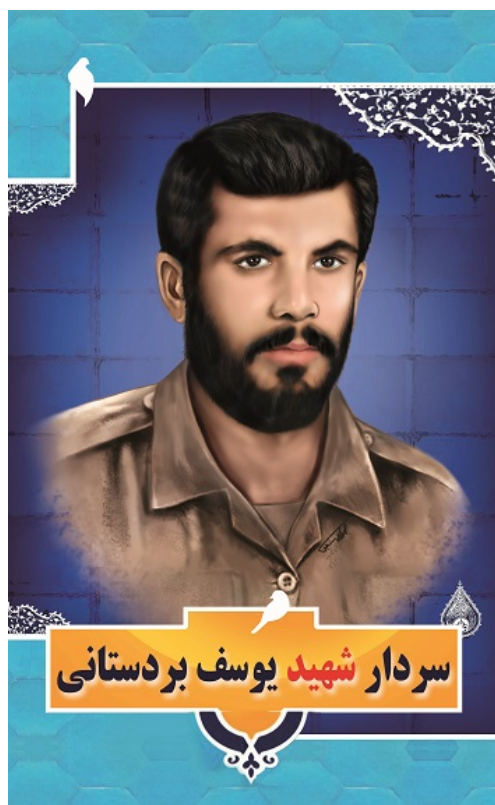


شهید یوسف بردستانی



سازمان جامع سوادداری و هزارتخمید استان بوشهر

نام پدر	غلام
تاریخ تولد	۱۳۳۴/۰۱/۰۲
محل تولد	بوشهر - دیر
تاریخ شهادت	۱۳۶۵/۱۰/۲۹
محل شهادت	سلمچه
مسئولیت	معاون گردان
نوع عضویت	پاسدار
شغل	پاسدار
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	بردخون

زندگینامه

زندگینامه شهید

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون

دوران تولد و تحصیلات :

شهید والا مقام یوسف بردستانی فرزند غلام در سال ۱۳۳۴ در روستای بردخون از توابع شهرستان دیر در خانواده ای مذهبی و کشاورز دیده بله جهان گشود در سن ۷ سالگی تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان فولادی بردخون آغاز و تا پایان دوره ابتدایی در آن مدرسه مشغول به تحصیل بوده است . سپس برای ادامه تحصیلات به منزل یکی از بستگانش در بندر گناوه مهاجرت نمود اما بعلت شرایط سخت زندگی و کمبودها نتوانست در آنجا بماند و از ادامه تحصیل منصرف شد . و مجدداً به زادگاهش بازگشت و به کار کشاورزی پرداخت .

دوران اعزام به خدمت مقدس سربازی:

پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی به خدمت مقدس سربازی اعزام گردید و پس از طی دوره آموزشی در مرکز ۵۰۵ کرمان به شهرستان شیراز منتقل شد و خدمت خویش را در آن شهر سپری نمود و پس از خاتمه سربازی در همانجا در دفتر کار یکی از بستگانش مشغول بکار شد .

دوران کار و فعالیت :

پس از گذشت مدتی مقدمات مسافرت و گرفتن ویزا و پاسپورت راهی کشور عربی قطر شد و در آنجا به کار پرداخت و پس از مدتی کار در آنجا در این زمینه مهارت کافی را کسب نمود . شهید یوسف بردستانی در سال ۱۳۵۴ ازدواج نمود که حاصل این ازدواج ۳ فرزند پسر بود که یکی از در سال جاری در سن ۱۴ سالگی زندگی خویش را وداع گفت و رو به سوی پروردگارش شتافت تا همراه با پدرش باشد

اوایل انقلاب:

شهید بزرگوار در زمان اوج گیری انقلاب اسلامی در کشور قطر مشغول به کار بود که با جمعی از دوستان خود نسبت به تکیه و چاپ اعلامیه و پخش اخبار جنایات رژیم ستمشاهی فعالیت مستمر داشته و در زمان سقوط رژیم ستمشاهی در مقابل سفارت ایران تجمع نمودند و پرچم لا اله الا الله را با دستان مبارکشان به اهتزاز در آوردند و عکسی نیز از این صحنه بیاد ماندنی گرفته شده که هم اکنون موجود می باشد .

خصوصیات اخلاقی شهید :

آن شهید بزرگوار ۳ خصوصیت اخلاقی داشت که عبارتند از :

۱-علاقه شدید به اهل بیت عصمت و طهارت

۲-عدم پذیرش زور گویی

بازگشت به میهن اسلامی:

شهید بزرگوار پس از پیروزی انقلاب اسلامی کار در خارج را رها نمود و به آغوش میهن اسلامی مراجعت نمود و از همان روزهای پیروزی انقلاب اسلامی به پاسداری و حراست از انقلاب و دستاوردهای آن پرداختند . و بسیج بردخون را بنیان گذاری نمودند و تمام مراحل زندگی خویش را فدای انقلاب اسلامی و اطاعت از رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران نمودند و لحظه ای از بسیج و جبهه غفلت ننمودند و همیشه این شعار را زمزمه می کردند که :

ما جبهه ها را تا ظهور حضرت مهدی (عج) خالی نخواهیم گذاشت .

در سال ----- ۱۳ به عضویت رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آمدند و مسئولیت پایگاه مقاومت کربلای بردخون را بر عهده گرفتند و در کلیه اعزامها نقش فعال و هدایتگرانه داشتند که هنوز صدای دلنشین وی در جای جای بردخون طنین انداز است وی پس از مدت ----- سال مسئول پایگاه مقاومت محمد عامری تنگستان را بر عهده گرفت . عملکرد و رفتار ایشان چنان زمینه را فراهم آورد که توانست در مدت زمان بسیار کمی وحدت و یکدلی را در حاک نماید و آنچنان در قلب مردم جای گرفت که مردم خوب تنگستان هنوز هم یاد و خاطره این شهید بزرگوار را از یاد نبرده اند و هنوز با خانواده این شهید رفت و آمد دارند .

خصوصیات فردی :

۱-خداپرستی :

شهید بزرگوار برای مسایل اعتقادی و واجبات اهمیت خاصی قایل بودند . نمازهای یومیه را همیشه سروقت می خواندند . نماز شب را همیشه بجای می آورد ولو در سخت ترین زمان و مکان ها باشد . تا جایی که برادر بزرگوار حاج کارگر درباره ایشان می فرماید :

تا پاسی از شب رتق و فتق امور رزمندگان را بهمراه داشتند . از استراحت پرهیز نموده بلکه نماز شب را بجای می آوردند و زیارت عاشورا را تا صبح زمزمه می کردند . خود شهید نیز اعتقاد خاصی برای کار کردن برای خدا و خلوص نیت داشتند در این راستا در وصیت نامه اش برای مردم می نویسد : خوشا بحال کسی که خدا را فراموش نمی کند و کارهای خود را مخلصانه برای خدا انجام می دهد که این کارها باعث جدایی شیطان و نجات پیدا کردن انسان است . لذا اخلاص در عمل پیشه کنید ، هر چند اعمالتان قلیل باشد برای خدا باشد و آگاه باشید که هر جا که برای خدا نباشد اختلاف است و جایی که اختلاف باشد خود پرستی و هوس در آنجا وجود دارد .

۲-دوستداری ائمه معصومین (ع):

ایشان علاقه بخصوصی به روضه خوانی و ذکر مصیبت و نوحه خوانی و سینه زنی داشتند بطوری که در مراسمات دهه محرم و روز عاشورا فعالیتهای چشمگیری داشتند و یکی از برگزار کنندگان مراسم سینه زنی در بردخون بودند ایشان علاقه مضاعفی به نازدانه امام حسین (ع) حضرت رقیه (س) داشتند برادر بزرگوار آقا سید عبدالله

حسینی که یکی از همزمان ایشان بودند می گویند:

در یکی از ایام شبهای دهه محرم و صفر در حالیکه روبروی دشمن بعثی قرار داشتیم شهید خطاب به من گفت که امشب بایستی روضه بخوانی. در جواب گفتم یوسف با این اوضاع حال چه وقت روضه خواندن است. ایشان گفتند ما هر چه داریم و خواهیم داشت از امام حسین (ع) است. لذا در سنگر منبری را درست کردند و گفتند که آقا سید بفرما و روضه بخوان. آن هم ذکر مصیبت حضرت رقیه (س). ناگفته نماند در زمان جنگ نیز به هر نحوی که بود برای مدت ۲۴ ساعت به زیارت مرقد حضرت رقیه (س) نایل شده بودند. به خاطر این علاقه هم بود که در وصیت نامه اش می نویسد که هر وقت خواستید برای من گریه کنید به یاد امام حسین (ع) و مصیبت های او گریه کنید.

۳- برخورد با مسایل شهادت و جبهه و جنگ :

مسئله شهادت برای وی مسئله ای عادی و باور کردنی بود. هیچوقت یاد نمی رود هنگامیکه در دیماه سال ۱۳۶۰ برادر بزرگوارم حیدر به درجه رفیع شهادت نایل شده بودند ایشان دومین فردی بودند که در جریان این امر قرار گرفتند لذا از بردخون به بوشهر آمدند و به محل کار من مراجعه نمودند من داشتم پلاکارد هفته وحدت را در اداره نصب می کردم. پس از سلا و احوالپرسی ه حقیر گفتند که بیا کارت دارم. و بدون مقدمه خبر شهادت برادرم را به من رسانید. در برگزاری مراسم شهادت وی از همه ما منقلب تر بودند که نوار سخنرانی ایشان درروز تشیع بیانگر و تبیین این مدعاست.

ایشان سفارشات زیادی را در مورد جهاد در راه خدا دارند که در قسمتی از وصیتنامه وی می خوانیم: جهاد در راه خدا و مبارزه با کفار و مشرکین را فراموش نکنید. که یکی از بهترین عبادات در نزد خداوند جهاد در راه خدا می باشد. و افرادی که مایل به بهشت همیشه جاویدانند باید در این عبادت بزرگ شرکت نمایند و جهاد را فراموش نکنند و خود را برای رنجها و مصیبتهایش آماده کنند.

۴- امر به معروف و نهی از منکر :

مسئله امر به معروف و نهی از منکر در سرلوحه کارهای ایشان قرار داشت. و برای این امر اهمیت زیادی قائل بودند. و خیلی جدی و با اهمیت برخورد می کردند و از کوچکترین مسئله منکری ولو اینکه پوشیدن جوراب نازکی توسط خواهری بی توجه نبودند و یا از پوشیدن لباسهای تنگ و بدن نما توسط برادری نیز غافل نبودند. ابتدا با آنان از راه هدایت و ارشاد وارد می شد. در صورتیکه کارساز نبود خود شخصا عکس العمل نشان می دادند. تا جایی که آثارماندگار کهدر دست می باشد نواری است در شب هفتم شهید براهیم در مانده سخنرانی نموده اند در دسترس می باشد.

دوران مسئولیت :

این شهید بزرگوار پس از تشکیل تیپ ۱۳ امیرالمومنین بوشهر بعنوان یکی از اعضا و فرماندهان رسالتی که بر دوش داشت ایفا می نمود و مدتها سمت فرمانده عملیات را بر عهده داشتند و در کلیه عملیاتی که توسط تیپ طرح ریزی و اجرا می شد مشارکت فعال و چشمگیری داشتند.

چیزی که در وجود او احساس نمی شد خستگی ناپذیری بود وی همه چیز را ر جبهه و جنگ خلاصه می نمود تا اینکه قبل از عملیات کربلای ۴ از ناحیه اینجانب (برادرش محمد) به وی پیشنهاد گردید که بهتر است مقداری هم به فکر خانواده ات باشی. جواب دلنشینی ولی با معنا به من داد و گفت: مامنزلی بجز جبهه و جنگ و دلگرمی و خانواده ای بجز امام نداریم. شما با خاندان خود بمانید، که ما بی خانمان بودیم و رفتیم.....

سر انجام :

در سال ۱۳۶۵ با پذیرفتن مسئولیت معاونت گردان کمیل به فرماندهی شهید هدایت احمد نیا در عملیات کربلای ۵ شرکت و در تاریخ ۳/۱۱/۱۳۶۵ به آرزوی دیرینه خویش به فیض عظمای شهادت نائل و به لقا ﷻ الله پوست .

روحش شاد و راهش پر رهرو باد .

وصیت نامه

وصیت نامه شهید (با خط مبارک خود شهید)

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل اللہ امواتا بل احیا عند ربهم یرزقون

و مپندارید آنانکه در راه خدا کشته می شوند ، بلکه زندگانند ، و نزد خدای خویش روزی خواهند

بنام خدا

درود و سلام پروردگار به پیامبران بزرگی الهی خصوصاً پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) که با کتاب خدا قرآن و دین خدا اسلام ما را به راه راست هدایت نمود .

سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی قلب تپنده امتاسلام که با قیام خود و نهضت خود پس از سالها که اسلام توسط مشرکین زمان و یزیدیان زمان می رفت که نابود شود ، حالی دوباره به اسلام و روحی تازه به قالب خاصه مسلمانان عطا فرمودند و با سلام به حافظان انقلابش ، رزمندگان اسلام و سلام به ارواح پاک شهیدان و شهیدان زنده انقلاب و معلولین انقلاب .

اکنون که قلم بر روی کاغذ می نگارم بیاد دارم که چند بار وصیت نامه نوشته ام به امید اینکه زنده بر نگردم و شهادت در راه خودش را سهمم بگرداند . اما چکنم که سعادت شهادت نصیب نگشت امیدوارم که خداوند این بار توفیق شهادت در راه خودش را سهمم بگرداند . ان شاء الله .

البته می دانم که رسیدن به مقام و درجه شهادت و لقاء الله و زیارت خداوند مختص افراد صالح و پرهیزکار است و کنهکاران را در آن مقام جایی نیست لکن در اینجا توبه و ندامت خود را با کمال شرمندگی به پیشگاه حضرت باری تعالی می برم امیدوارم که خداوند بحق محمد و آل محمد بر من ترحم نماید و از گناهان و تقصیراتم درگذرد .

خداوندا مرا ببخش زیرا شاگرد نبودم

و مرا ببخش بخاطر قدردانی نکردن از نعمتهای تو

و مرا ببخش بخاطر بی اعتنایی به احکام و دستورات تو

و مرا ببخش بخاطر فراموش کردن خودمان که چه بودیم و چه شدیم .

برادران و خواهران ، مردم مسلمان ایران ، خوشا بحال کسی که کار برای خدا را فراموش نکند و کارها خویش را مخلصانه برای خدا انجام می دهند این کارها باعث جدایی شیطان ایت و نجات پیدا کردن انسان است . لذا اخلاص در عمل و امور را پیشه خود قرار دهید و اعمالتان هرچند قلیل باشد برای خدا باشد و آگاه باشید که هرکجا کار برای خدا نباشد اختلاف است و جایی که اختلاف است خود پرستی و هوس در همانجا وجود دارد .

همیشه با یاد خدا باشید که هر وقت مصیبت و ناراحتی برای شما پیش آمد از محمد (ص) و خاندانش (ع) استمداد بطلبید و بدانید که گاهی که به دنبال راحتی این دنیا هستند به خوشی آن دنیا نخواهند رسید و آخرتی ندارند .

جهاد در راه خدا و مبارزه با کفار و مشرکین را فراموش نکنید که یکی از بهترین عبادات نزد خدا جهاد در راه خدا می باشد و افرادی که مایا به داشتن آخرتی همیشه جاویدان هستند باید شرک در جبهه و جنگ را فراموش نکنند و خود را برای رنجها و مصیبتها آماده سازید . دل قوی دارید که خداوند یار و پشتیبان شماست .

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

نامه شهید به خانواده :

ای پدر و مادر عزیز و مهربانم :

امیدوارم که سلام ناقابل مرا بپذیرید و از اینکه سالها باعث رنج و زحمت شما شده ام مرا ببخشید . من اعتراف می کنم که فرزند خوبی برای شما نبوده ام و نتوانستم حقوق شما را ادا نمایم ولی به شما اطمینان می دهم که این امور خود عادت بسیار بزرگ است تلاش نمایید هر چه در توان دارید در راه اسلام و قرآن و این انقلاب هدیه نمایید و بدانید که ما فرزندان امانتهایی هستیم از آن خدا و سزاوار باشید که امانت دارد خوبی بوده اید . در عزای من گریه و ناراحتی به خود راه ندهید . هر وقت خواستید برای من گریه کنید بیاد امام حسین (ع) و مصیبت های آن حضرت گریه کنید .

پدر عزیزم از اینکه تربیت تو مرا به راه اسلام و قرآن کشانید بسیار متشکرم و امیدوارم و امیدوارم که در ثواب شهیدان و راه آنها شریک باشی و تو ای مادر خوبم که زحمات بسیاری برای من کشیده ای که من هیچ وقت او را فراموش نمی کنم و از شما می خواهم برای آموزش همه مومنین و مومنات و همچنین برای امام دعا را فراموش نکنید . مرا حلال کنید .

و شما ای برادرانم امیدوارم که مرا ببخشید اگر برادر خوبی برای شما نبودم تنها از شما می خواهم که اسلام و قرآن و امام و انقلاب را تنها نگذارید ، چنانچه به قیمت جان و مالتان تمام شود بچه ها را فراموش نکنید .

و شما خواهرانم همانند تمام خواهران شهدای ایران زینب وار باشید در عزای من گریه و زاری نکنید .

و سخنی با همسر : امیدوارم از اینکه در این مدت نتوانستم همسر خوبی برای تو باشم مرا ببخش و اگر سخنی و یا صحبتی در این ایام از من دیده اید که مایه رنجش شما شده است مرا ببخشید امیدوارم که همانند همه زنان شهدا خود را مهیا ساخته باشید . و بدان که مسئولیت تو تربیت فرزندانم ابوذر و حمید و محسن می باشد . امیدوارم که آنها را طوری تربیت کنی که آماده برای دفاع از حریم قرآن و اسلام شوند

پدر عزیزم : امیدوارم که فرزندان مرا فراموش نکنید و در تربیت آنها کوشا باشید موتور سیکلت مرا بفروش و مبلغ پول که پهلوی برادرم محمد است نصف بدهید سپاه بوشهر و نصف بدهید سپاه رادار تا خرج بکشند مقدار پولی هم که در بانک دارم سه سا نماز و روزه ام را انجام دهید .

مرا در کنار برادرم حیدر دفن نمایید زیرا می خواهم مادرم یک دستش را روی رادارم حیدر و دست دیگرش را روی قبر من بگذارد . از همه رفیقانم حلالیت می طلبم و همه شما را به خدا می سپارم .

امام را فراموش نکنید. روزهای پنجشنبه آمودن به قبور شهدا ☐ وفاتحه فراموش نکنید . فاتحه برای ما هم فراموش نکنید .

والسلام

یوسف بردستانی



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران